

آزمون نظریه بزهکاری فارینگتون و تلویحات کاربردی آن بر روی زندانیان ایرانی

صغرا ابراهیمی قوام^۱

چکیده

یکی از نظریه‌های شناخته‌شده در حوزه رشد و تحول بزهکاری، نظریه تلفیقی دیوید فارینگتون است. این نظریه بر ابعاد آسیب‌زای فردی، خانوادگی، آموزشگاهی، همسالان، همسایگان و جامعه محلی تأکید دارد. و نحوه تأثیرگذاری این عوامل را بر روند تکوین شخصیت ضداجتماعی تبیین میکند. روش تحقیق این مطالعه، کیفی بوده و جامعه تحقیق را مددجویان زن زندان‌های زاهدان، شهید کچویی استان البرز، کانون اصلاح و تربیت استان تهران و کانون اصلاح و تربیت استان البرز و کانون اصلاح و تربیت استان سیستان و بلوچستان تشکیل می‌دهند. نمونه این مطالعه ۱۲۰ مددجو بوده که ۸۰ مورد آن‌ها را مددجویان زن این زندان‌ها تشکیل می‌دهند و سایر موارد مربوط به مددجویان پسر کانون‌های اصلاح و تربیت مذکور است که مطابق با چارچوب مفهومی و تجربی این نظریه، داده‌های این تحقیق با روش مصاحبه و مشاهده گردآوری شد و با روش تحلیل محتوا، مورد تحلیل قرار گرفت.

۱. دانشیار گروه روانشناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی

یافته‌های این تحقیق بدین شرح می‌باشند: ۱- تمامی مقوله‌های این نظریه از سطح فردی، خانوادگی، آموزشگاهی، همسایگان - محله و همسالان در تبیین بزهکاری در ایران قابل تعمیم است. ۲- در مطالعه حاضر ابعاد اجتماعی به‌ویژه پایگاه اقتصادی- اجتماعی، قشربندی‌ها، محرومیت‌های اجتماعی، نابرابری‌های آموزشی در بروز بزهکاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ۳- در ایران به دلیل ابهام مسئولیت نهادهای اجتماعی حامی از افراد آسیب‌دیده، تنها خانواده مرجع محسوب شده و از این رو میزان سوء کارکردهای خانوادگی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در تعیین روند بزهکاری دارد. ۴- میزان خطاهای شناختی که افراد را راغب به انجام و یا تکرار جرم در بین مجرمان بالا است. ۵- در این مطالعه مشخص شد عدم به‌کارگیری جدی راهبردهای پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی، عامل بسیار مؤثری در عود جرم و افزایش تعداد مجرمان است. ۶- این نظریه بر عوامل روان‌شناختی بیش از عوامل جامعه‌شناختی در تکوین بزهکاری تأکید دارد. ۷- فقدان رویکرد رشد محور در برنامه‌های پیشگیری از جرم در ایران کاملاً محرز است. ۸- فقدان رویکرد مکان محور از جرم قابل تأمل است. ۹- وجود فرصت‌های ارتکاب جرم در زندان‌ها، عامل پایدارکننده و بازگشت به جرم را در بین زندانیان مهیا می‌سازد. ۱۰- فقدان راهکارهای عدالت ترمیمی مبتنی بر شرم در زندان‌ها و مراکز تأدیبی، ۱۱- فقدان تبلیغات بزه دیده محور و بزهکار محور در جامعه و در زندان‌ها

کلیدواژه‌ها: نظریه تلفیقی دیوید فارینگتون، پیشگیری وضعی، پیشگیری اجتماعی،

زندان، مددجویان

مقدمه

نظریه‌ها دارای سه کارکرد مثبت هستند: نخست آنکه از شمار زیادی از عوامل بالقوه ریسک که مؤثر در بروز جرم هستند، تشخیص می‌دهند که کدام یک مهم‌تر بوده و تأثیر بیشتری در بزه‌کاری دارد. دوم آنکه این نظریه‌ها روابط موجود میان عوامل جرم‌شناختی ریسک را مشخص کرده و آن‌ها را درجه‌بندی می‌کنند. سومین کارکرد مثبت نیز آن است که ریشه‌های عوامل ریسک را شناسایی می‌کنند. بدین ترتیب فهم ما از رفتار مجرمانه قوی‌تر می‌گردد. نظریه‌پردازان جرم‌شناسی رویکردهای متفاوتی را در تبیین علل بروز جرم مطرح ساخته‌اند. برنارد و اسنایز^۱ (۱۹۹۶) نظریه‌ها را به دو نوع اساسی «تفاوت‌های فردی»^۲ و «ساختار-فرایند»^۳ تقسیم می‌کنند. این رویکرد مدل‌هایی از جرم را می‌پذیرد که محور وصفی و چشم‌انداز تبیینی داشته باشند. عدم توافق بین نظریه‌های جرم‌شناسی مختلف ناشی از همین واقعیت است که در موقع ارزیابی جرم سطوح متفاوتی از توصیف را ارائه می‌دهند (ولش و فارینگتون ۱۳۹۴).

به‌منظور ساده‌سازی، در این زمینه نظریه جرم‌شناسی می‌تواند بر اساس پنج سطح جداگانه اما مرتبط باهم با ارائه رویکردهایی به درک رفتار بزهکارانه پردازد. بهتر است گفته شود

-
1. Bernard & Snipes
 2. Individual - difference
 3. Structure- process

آن‌ها از مقیاس بزرگ یا سطح کلان نگر جامعه گستر^۱ به سوی مقیاس کوچک فردی^۲ حرکت می‌کنند. این طرح‌واره در جدول ۱ شرح داده شده است. این جدول برای هر سطح، آنچه را که می‌توان به عنوان «واحد تحلیل اولیه» در نظر گرفت توصیف نموده است که در اقدامات پژوهشی و ساخت نظریه‌ها موضوع اصلی است. سومین ستون مربوط به هدف‌های گسترده نظریه در آن حیطه است و ستون آخر رویکردهای توصیفی را نام می‌برد که ریشه‌های اصولی‌شان را به نوبه خود تحت هر عنوان دارند.

جدول ۱: بازنمایی طرح‌واره سطوح توصیف نظریه‌های جرم‌شناسی

سطح	واحد تحلیل (واحد تحلیل)	هدف	نظریه‌های توصیفی
۱	جامعه	درک جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی در مقیاس وسیع	نظریه تعارض نظریه فشار نظریه‌های کنترل جامعه‌شناختی نظریه‌های فمینیستی
۲	مناطق مشخص یا اجتماعات	توضیح جغرافیایی پراکندگی جرم هم چون تفاوت‌های شهری- روستایی و بین نواحی یا محلات	نظریه‌های محیطی نظریه فرصت‌های افتراقی
۳	گروه‌های اجتماعی نزدیک	درک نقش‌های اجتماعی شدن و تأثیر اجتماع از طریق خانواده، مدرسه یا گروه همسالان	نظریه بزهکاری خرده فرهنگ نظریه پیوند افتراقی نظریه یادگیری اجتماعی

1. Society- wide macrocosmic level
2. Microcosms

۴	رویدادها و اقدامات بزهکارانه	تحلیل و توضیح الگوها و انواع وقوع جرم، هدف های جرم و روندها در طول زمان	نظریه فعالیت روزمره نظریه انتخاب منطقی
۵	افراد مجرم	ارزیابی الگوهای رفتار فرد و عوامل درونی و روان شناختی هم چون افکار، احساسات و نگرش ها	نظریه خنثی ساز نظریه های کنترل روان شناختی نظریه یاد گیری شناختی اجتماعی

(برگرفته از مک گوایر، ۲۰۰۰a)

مک گوایر (۲۰۰۴ ترجمه ابراهیمی قوام ۱۳۸۹) در توضیح بیشتر علل جرم، ۵ سطح توصیفی را بیان داشته است که به شرح زیر است:

سطح ۱: توصیف سطح کلان

در سطح نخست، جرم را می توان به عنوان محصول اجتناب ناپذیر و واقعی همزیستی بشر در گروه های اجتماعی بزرگ دانست. انتخاب این نظر به عنوان نقطه آغاز، نظریه هایی را گسترش می دهد که در آن هر دو شرایط جرم و اجتماع به طور مشترک به یکدیگر وابسته بوده و فرض می شود که آن ها به طور ذاتی و درونی با خود ماهیت اجتماعات انسانی در هم آمیخته است.

سطح ۲: توصیف موقعیت مداری

واقعیت این است که جرم در تمام جوامع رخ می دهد و اغلب مردان بیش از زنان مرتکب آن می شوند و ویژگی مهم اکثر مناطق جرم خیز این است که به طرز نابرابری در مناطق جغرافیایی مختلفی در اجتماع پراکنده اند. این موضوع باعث شکل گیری سطح دوم توصیف و نظریه پردازی شد که در آن توزیعی مکانی- اجتماعی از جرم، محور اصلی این دسته از مطالعات است.

سطح ۳: فرایندهای اجتماعی شدن و فرایندهای نفوذ گروهی

سومین سطح توصیف فرایندهای اجتماعی شدن و فرایندهای نفوذ گروهی است. در این مورد، هدف درک مکانیزم‌هایی است که برخی افراد حتی در مکان‌ها و یا اجتماعات معینی به‌سوی جرم می‌روند و برخی دیگر خیر. این سطح بر تغییرات بین واحدهای تقریباً کوچک‌تر هم چون خانواده و گروه‌های همسالان و جوانان متمرکز است. این‌ها شبکه‌های اجتماعی هستند که زمینه اکثر فعالیت‌های روزمره افراد محسوب می‌گردند.

سطح ۴: وقوع جرم و فعالیت‌های معمول

برخی از اشکال نظریه در جرم‌شناسی تمرکزشان منحصر به اعمال تبهکاری است و عمداً از این سؤال که چه کسانی مرتکب جرم می‌شوند، اجتناب ورزیده و آن را نادیده می‌گیرند. آن‌ها منحصراً به بررسی خود رویداد تبهکاری می‌پردازند. هرچند این امر حاصل رفتار آشکار مجرم است، اما هر عامل وسوسه کننده دیگری که ممکن است بر رفتار مجرم مؤثر باشد و به عنوان انگیزه‌ها و عوامل فردی، مورد توجه قرار گیرد به‌طور جدی، مورد اجتناب واقع می‌شود. در این رویکرد تمرکز تحقیق بر الگوپذیری از اعمال مجرمانه در طی زمان و مکان است. برای مثال سرقت از منزل، دزدی چرخ ماشین و دعوا در مکان‌های معینی و یا در ساعات معینی از روز یا شب معمول‌تر است. اعمال تبهکاری الگوهایی را نشان می‌دهد که حاکی از دسترسی به فرصت ارتکاب جرم برای افراد است، درحالی که آنان مشغول فعالیت‌های روزمره زندگی‌شان هستند.

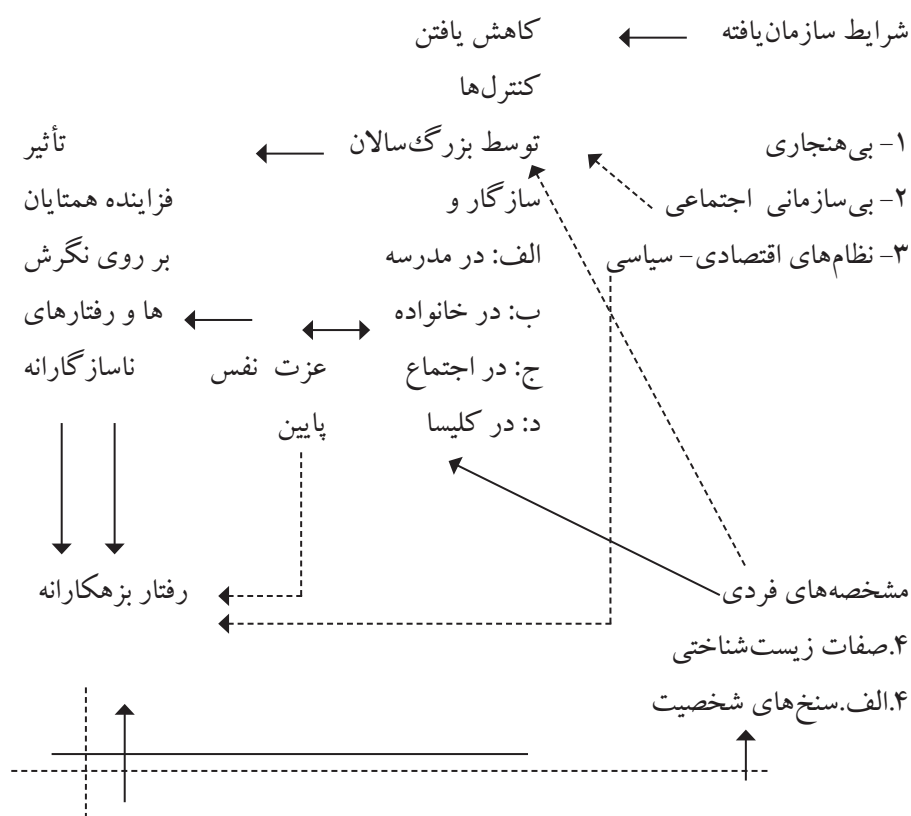
سطح ۵: عوامل فردی

در این طرح‌واره مفهومی سطح پنجم و نهایی توصیف و ساخت نظریه به‌صراحت عوامل درون فردی را مطرح می‌سازد. اکثر رویکردها در تبیین جرم اساس تبعیض^۱ یا فردگرایی را مطرح ساخته‌اند که در جرم‌شناسی شهرت قابل توجهی دارند.

مدل‌های تحولی تلفیقی

جستجو برای یافتن علل بزهکاری در طول چندین قرن مطرح بوده و از دیدگاه‌های بی‌شماری به آن پرداخته شده است. تلاش‌های چندی در ارائه توصیف‌های نظری چندگانه پیرامون علل جرم و یا بزهکاری انجام گرفته است. اغلب این تلاش‌ها و توصیف‌ها به عنوان «تلفیق» تلقی شده‌اند. هر چند سطوحی از این مدل نظری تلفیقی بوده و شامل حلقه‌های بازخوردی متنوعی است. سایر صفاتی که می‌توان در توصیف این نوع تلاش‌های تبیینی چندگانه به کار برد شامل ترکیبی، چندگانه و همخوان است. هر چند انتخاب این نام موضوع مهمی است و تلاش برای ترکیب رویکردهای نظری متفاوت در تبیین رفتار بزهکارانه امری بسیار دشواری است و نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد. [۱]

مدل بزهکاری پیشنهادی (تصویر ۱) همانند سایر تلاش‌های تلفیقی است به‌ویژه مدل پیشنهادی جانسون، ۱۹۷۹؛ و هاوکینز و لیتشنر^۱، ۱۹۸۷ کاملاً جدید نیست. به‌هر حال در اینجا هدف توضیح زنجیروار است. این عوامل علی در حالت افقی، همراه با پیکان‌هایی که توصیف‌کننده ارتباطات فرضی قوی بین دو عامل در یک توالی بوده و خطوط شکسته‌ای که حاکی از ضعیف شدن روابط است، به نمایش گذاشته است.



نمودار شماره ۱: مدل تلفیقی عوامل مؤثر بر هکاري ادري

پیکان دوسویه نشان‌دهنده تأثیر متقابل بین دو متغیر است. به عنوان مثال هر چند بسیاری از مطالعات و چندین نظر تلفیقی، موضع فقدان کنترل‌های اجتماعی قبل از عزت نفس پایین و ارتباط فزاینده با همتایان ساخته‌اند شواهدی وجود دارد که تأثیر بازخورد بین خودپنداره و دل‌بستگی اجتماعی به‌ویژه با بزرگسالان سازگار و بین ارتباطات همتایان و کنترل توسط بزرگسالان مسلم فرض می‌شود. ارتباط مستحکمی بین کاهش کنترل‌های بزرگسالان و عزت نفس پایین و ارتباط بین کاهش کنترل‌ها و تأثیرات منفی همتایان دیده می‌شود. مدل تبیینی که در نمودار ۱ ارائه شده از سه سطح مفهومی، ساختاری (مربوط شرایط

اجتماعی است) و فردی (به طور زیست شناختی و روان شناختی) و اجتماعی - روان شناختی (کنترل های اجتماعی، عزت نفس و ارتباط با همتایان) در یک گستره وسیع تر، مجموعه ای از عوامل، متناظر با نظریه های خاصی است، اما این ارتباط مطلق یا کامل نیست. شرایط ساختاری برای مثال شامل متغیرهای مربوط به نظریه های بی هنجاری، بی سازمانی اجتماعی و نئومارکسیست و رادیکال بزهکاری است. عوامل کنترل اجتماعی به نظریه التزام اجتماعی مربوط می شود.

عزت نفس تا حدی به نظریه بازدارنده^۱ مربوط می شود. تأثیر همتایان عمدتاً با نظریه پیوند افتراقی و نظریه بی هدفی^۲ ارتباط دارد. شرایط صفات زیست شناختی و شخصیتی شامل سازه های نظری بی شماری است. در بین عوامل زیست شناختی - هیچ یک بر موضع نظری خاصی که پیشرفته تر از بقیه باشد، قرار ندارد. هر چند ممکن است صفات معینی ظاهراً بیشتر مورد ارزیابی قرار گرفته باشد. به عنوان مثال یکی از تبیین های «زیست شناختی» از رفتار جنسی نوجوانان، مفروض دانستن ارتباط بین سن، تحول هورمونی، بلوغ، کنترل های اجتماعی با روابط جنسی است (ادری^۳، ۱۹۸۸). [۲] ویژگی های روان شناختی به بهترین نحوی در قالب سنخ های شخصیتی معرفی شده اند. در حالی که ممکن است سایر متغیرهای روان شناختی در نظریه های تلفیقی به کار گرفته شده باشد، بنا به نتیجه گیری این کتاب، رویکرد آینده نگرانه این است که صفات شخصیتی (منظور شخصیت هسته ای نیست) در تبیین بزهکاری دخیل است.

عوامل سمت راست این نمودار با نظام هایی که معرف قوت نسبی عوامل متناظر یا پیش بینی کننده در تبیین کاهش کنترل اجتماعی است. بنابراین عوامل ساختاری به طور کلی تأثیر بیشتری نسبت به متغیرهای فردی دارد. علاوه بر این در بین شرایط اجتماعی، بی هنجاری و ناسازمانی اجتماعی تصور می شود که تأثیر قوی تری بر دل بستگی اجتماعی داشته باشند تا نظام های اقتصادی یا سیاسی که در بین ویژگی های فردی عوامل زیست شناختی و روان شناختی وزن برابری در موارد مربوط به آثار بر دل بستگی اجتماعی مطرح شده اند داشته باشند. آن ها ممکن است مستقل از شرایط اجتماعی عمل کنند، هر

چند این دو دسته از متغیرها می‌توانند تعاملی باشند. در اشکال جدی‌تر، رفتار غیرقانونی به واسطه عوامل فردی که وزن بیشتری در این مدل دارند، تبیین می‌گردند (به‌طور نمونه به بویخر اتزن^۱، ۱۹۸۸؛ پیترز و همکاران^۲، ۱۹۹۲ مراجعه کنید). همان‌گونه که نمودار ۱ نشان می‌دهد شرایط ساختاری و فردی معمولاً تأثیر مستقیمی بر بزهکاری دارد، در ابتدا از طریق کنترل‌های اجتماعی و سپس با عزت نفس و ارتباط با هم‌تایان تأثیرگذار است. به‌هرحال، در این زمان ممکن است ارتباط مستقیمی بین بزهکاری و عوامل اجتماعی و ویژگی‌های فردی نیز وجود داشته باشد.

کنترل‌های اجتماعی ضعیف از طریق شرایط ساختاری و فردی نقش اصلی را در این تبیین ایفا می‌کنند. ارتباط بین التزام اجتماعی و بزهکاری از طریق خودپنداره ضعیف و ارتباط فزاینده با هم‌تایان (منفی) پیش‌بینی می‌شود. به‌هرحال شواهدی به‌ویژه در تائید ارتباط مستقیم بین بزهکاری، جرائم نه‌چندان جدی و التزام اجتماعی ضعیف وجود دارد و این احتمال در این مدل نشان داده شده است. به جای تمرکز بر عناصر خاصی از نظریه التزام اجتماعی، تفسیر تلفیقی از حوزه اجتماعی است که اساساً مؤلفه‌های نهادی جامعه است این عرصه تصادفی و بی‌نظم نیست. شرایط خاص کنترل‌های ضعیف بزرگ‌سالان در رتبه پایین‌تری از اهمیت نسبت به بزهکاری، عزت نفس و ارتباطات با هم‌تایان فهرست شده است. همچنین می‌توان به این فهرست عواملی هم چون پیوندهای ضعیف به دو یا چند مؤلفه اجتماعی که جهت‌گیری بیشتری نسبت به خودانگاره‌های منفی و ارتباط با هم‌تایان و یا بزهکاری دارند را افزود تا اینکه آن‌ها را در واحدهای جداگانه و متمایز قرار داد.

این تصویر براساس این مفروضه است که دل‌بستگی‌های اجتماعی اولیه جوانان، بزرگ‌سالانی هستند که معمولاً با مجموعه نهادهای اجتماعی سازگار می‌باشند. پیوند ضعیف با این بزرگ‌سالان موجب کاهش عزت نفس و افزایش احتمال ارتباط با هم‌تایانی می‌شود مخالف با نگرش‌ها و رفتارهای جوان بوده به‌ویژه بر نوجوانان تأثیرگذار هستند. عامل دیگر التزام اجتماعی ضعیف، خودپنداره ضعیف یا تأثیرات منفی هم‌تایان است که

1. Buikhuisen
2. Peters et al

می تواند به طور مستقیم بر بزهکاری تأثیر گذارد و در این شکل ترکیبی، اثرات قوی مشاهده می شود. احتمالاً، خودپنداره بر اساس روابط با بزرگسالان و یا همتایان تعیین می شود و یا حداقل به شدت از آن تأثیر می پذیرد. یک خودپنداره منفی ممکن است به طور منطقی حاصل روابط با همتایان یا بزرگسالان و سایر جوانان باشد و تجارب بد با هر دو این ها ممکن است تنها مشکل را وخیم تر سازد. ممکن است خودانگاره ضعیف ارتباط مثبت با بزرگسالان و همتایان سازگار تضعیف سازد و احتمالاً ارتباط با افراد ناسازگار به ویژه با همتایان بزهکار را بیفزاید. هر چند شاید این تلاشی برای حفظ خود از آسیب باشد. در عمل، جوانانی که خودانگاره ضعیف یا منفی دارند رابطه منفی و طرد کننده ای را با بزرگسالان برقرار می سازند و در جستجوی روابط جایگزینی با افراد دیگر برمی آیند و احتمالاً جذب سایر همتایانی می شوند که آن ها را راحت تر می پذیرند، البته این امر ممکن است از دید جوان باشد. این نوع پذیرش جدید ممکن است از سوی کسانی باشند که به طور مشابهی طرد شده باشند و اکنون بزهکار یا کج رفتار هستند، ارزش ها و نگرش های آنان ممکن است در جهت یافتن دوستان یا روابط جدید باشد. اگرچه بهبود خودانگاره به واسطه این روابط جدید، مشکل آفرین است (پیکان شکسته پیشنهاد می کند که خودپنداره ممکن است هنوز پایین باشد) اما شانس فرد در درگیری در رفتار بزهکارانه اکنون افزایش یافته است. بنابراین، این مدل بزهکاری پیشنهاد می کند که عزت نفس پایین اغلب اوقات به طور غیرمستقیم بر بزهکاری از طریق تجارب منفی با بزرگسالان سازگار یا ارتباط قوی با همتایان ناسازگار تأثیر می گذارد این مسئله متفاوت از مفروضه های نظریه بازداري است هنوز گاهی اوقات خودپنداره پایین به طور مستقیم علت رفتار بزهکارانه تلقی می شود.

فرض می شود که مدل تلفیقی، نظریه ای معمولی^۱ با تمرکز تبیینی محدود است. این تبیین برای شرایطی که روابط اصلی فرد با بزرگسالان و همتایان ناسازگار است، کافی نیست. در این زمینه مشخصه هایی هم چون نرخ بالای جرم و کج رفتاری، بی سازمانی اجتماعی مطرح است به عنوان مثال روابط، مدل های نقش محسوب می گردند، برخی جوانان ممکن است با

1. Ego
2. Modest

ناسازگاران روابط خوبی داشته باشند. بنابراین در بین بزرگسالان کج رفتار تمایل به منتقل ساختن ارزش‌های سازگاران به فرزندان‌شان یا احتمالاً به سایر جوانان در آن منطقه نیز وجود دارد. طرد شدن از سوی کج رفتاران دیگر ضرورتاً به معنی بازگشت به سوی بزرگسالان سازگار برای دریافت حمایت نیست. شاید این جستجوی پذیرش منجر به برقراری ارتباط با سایر کج رفتارها شده و در نتیجه این مدل برای تبیین رفتار این جوانان مناسب است.

مقاله‌ای که اخیراً از ثورنبری (۱۹۸۷) منتشر شده، مفاهیم بزهکاری را در قالب تلفیقی ارائه نموده است اما به آن ارتباطات تعاملی بین بزهکاری و جدایی از نهادهای اجتماعی را نیز افزوده است. اساس مدلی که توسط ثورنبری پیشنهاد شده، این است که بزهکاری نتیجه رویدادهایی است که به سبک تحولی رخ داده و با برخی از عوامل متأثر سازنده رفتار غیرقانونی در سنین معین و سایر متغیرهای که در این سنین یا مراحل تحولی بعدی تأثیر بیشتری دارند، در نظر گرفته می‌شود.

بنابراین بزهکاری به عنوان محصول نهایی در این طرح‌واره دیده نمی‌شود در عوض بزهکاری منجر به شکل‌گیری ارزش‌های بزهکارانه‌ای می‌شود که به ترتیب بر انفصال و جدایی از التزام‌های اجتماعی و دل‌بستگی بیشتر نسبت به همتایان بزهکار و درگیری بیشتر به فعالیت‌های بزهکارانه تأثیرگذار است. برای مثال ثورنبری فرض کرد که از دست دادن دل‌بستگی نسبت به والدین نقش مؤثری در بزهکاری کسانی که در اوایل دوران نوجوانی (۱۱-۱۳ ساله) بودند، داشته است. در حالی که فرض می‌شود کاهش التزام به مدرسه و ارتباط با همتایان اهمیت بیشتری در زندگی جوانانی که در مرحله اواسط نوجوانی (۱۶-۱۵ ساله) هستند، دارد. علاوه بر این در اواسط دوران نوجوانی، ارزش‌های بزهکارانه به عنوان یک علت مهم، موجب درگیری بیشتر در فعالیت‌های بزهکارانه، محسوب می‌شود. در اواخر دوران نوجوانی (۲۰-۱۸) رفتار تبهکاری بیشتر به دلیل فقدان تعهد نسبت به فعالیت‌های متعارفی هم چون شاغل بودن، حضور در کالج و خدمت سربازی شکل می‌گیرد تا عوامل مربوط به والدین و مدرسه.

واضح است که نظریه تعاملی ثورنبری صفات شخصی هم چون فقدان خویشنداری را به عنوان عامل زیربنایی در تبیین بزهکاری مطرح نموده است. در عوض این

رویکرد تأکید بر کاهش التزام اجتماعی و روابط با همتایان بزهکار در تبیین اولیه بزهکاری دارد. به هر حال، مسیرهای تحولی که در این نظریه مطرح است، پیشنهاد می‌کند که تعامل بین التزام اجتماعی ضعیف، ارتباط با همتایان بزهکار، رفتار بزهکارانه و باورهای بزهکارانه اثرات فزاینده و پیچیده‌ای دارد. بنابراین در این دیدگاه بزهکاری تقویت شده و انتظار استمرار آن حتی در جرائم بزرگ سالان وجود دارد (ثورنبری، ۱۹۸۷). در نتیجه این شبکه تعاملی که به عنوان عوامل ساختاری هم چون طبقه اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است مدعی هستند که تعاملات فزاینده‌ای که در بزهکاری دخیل است، احتمالاً در بین «طبقات پایین‌تر» رایج‌تر بوده و این در حالی است که پیش‌بینی می‌شود که در بین نوجوانان طبقه متوسط این روند متضاد باشد.

ثورنبری (۱۹۹۶) در مقاله بعدی‌اش که شواهد قابل ملاحظه‌ای را از ۱۷ مطالعه جداگانه به دست آورده بود، از تأثیر عوامل علی دو بعدی حمایت کرد. این مطالعات ارتباط بین تعدادی از متغیرهای اصلی (دل‌بستگی به والدین و مدرسه، باورها و نگرش‌های کج رفتاری و ارتباط با بزهکاران) و دامنه متنوعی از رفتارهای قانون‌شکنانه (بزهکاری کوچک و جدی، همه‌فن حریف بودن، سرقت، خرابکاری، دستبرد از مغازه، سوء مصرف دارو و خشونت بین فردی) را نشان می‌داد. دو مطالعه دیگر در مقیاس وسیع که در آن زمان انجام شده بود (ماتسودا و اندرسون ۲، ۱۹۹۸)، حمایت بیشتری از این نظریه داشتند و به طور گسترده یافته‌های روچستر را در مطالعه تحول جوانان مورد آزمون قرار دادند (ثورنبری و همکاران، ۲۰۰۳).

رویکرد مشابهی توسط کاتالانو و هاوکینز^۳ (۱۹۹۶) پذیرفته شد. آنان مدل ترکیبی از نظریه کنترل، نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه پیوند افتراقی را که تا حدی متفاوت از نظریه ثورنبری بود، مطرح ساختند. این نویسندگان آن مدل را به عنوان پایه‌ای برای هماهنگی یک بعد تحولی و به منظور تدوین یک مدل کاملاً منسجم با چهار خرده مدل مربوط به سنین خاص بود. فرایندهای تحولی انتقالی هستند، بدین معنی که نه تنها تأثیر متقابلی بین متغیرها

-
1. Generalist
 2. Matsueda, R. L. and Anderson
 3. Catalano & Hawkins

وجود دارد، بلکه آن‌ها ایجادکننده بروندهای کیفی متفاوتی در مراحل پی‌درپی و متوالی هستند. سه عامل بیرونی اولیه زمینه‌ای از رشد و تحول فراهم می‌آورند مانند: موفقیت فرد در ساختار اجتماعی (طبقه اجتماعی - اقتصادی، جنسیت، نژاد و جنس)، عوامل ساختاری/ ذاتی و سایر محدودیت‌های محیط بیرونی. چهار سازه‌ای که به عنوان عامل اثرگذار در جهت‌گیری تحول مورد توجه می‌باشند عبارت‌اند از:

الف: فرصت‌های درک شده برای مشارکت در تعامل با دیگران؛ ب: سطح مشارکت در آن‌ها؛ ج: برخورداری از مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت در این فعالیت‌ها؛ و د: تقویت پیش‌بینی شده حاصل از انجام آن. هنگامی که این عوامل به‌طور منسجمی با هم کار می‌کنند، التزام‌های اجتماعی گسترش می‌یابند و ممکن است بعدها جدا شده و تأثیر مستقلی در ایجاد (یا شکست در ایجاد) و کنترل بر روی رفتار بعدی داشته باشند. ترکیب رفتارهای اجتماع‌پسندانه و ضداجتماعی آموخته شده و تعادل بین این دو به تعیین می‌کند که کودک دو مسیر جداگانه را طی کند. عناصر علی این مدل، تعدادی نشانگر را برای مداخله را به دست می‌دهد کاتالانو و هاو کینز آن‌ها توضیح می‌دهند.

موضوع دیگری که در این بحث مطرح می‌گردد، کار لاوب و سامپسون^۱ (۱۹۹۳) است که به جرم‌شناسان خاطر نشان ساختند که هر چند که کارهای بزهکارانه استمرارهایی وجود دارد اما می‌توان نقاط عطفی را نیز یافت. برخی تغییرات به‌طور مقتضی و طبیعی در طول زمان رخ می‌دهند و سایر تغییرات حاصل تأثیر رویدادهای زندگی هستند. الگوهای جرم و علل بالقوه یا دخیل در آن، ضرورتاً در بین مراحل مختلف زندگی ثابت نمی‌باشند. بنابراین مدلی که در توضیح قانون‌شکنی جوانان قابل کاربرد باشد، ممکن است تبه‌کاری بزرگ‌سالان را تبیین نسازد. مشارکت، حفظ ساختار و دست کشیدن ممکن است محصول متغیرهای خاص یا شاید متغیرهای مشابهی باشند که به طرق گوناگون تعامل می‌کنند. نظریه پردازان باید بی‌معنایی و بی‌فایده بودن مفاهیم تغییرناپذیری و جبرگرایانه رشد و تحول آدمی را بپذیرند (لاوب و سامپسون، ۱۹۹۳). شواهدی وجود دارد که حتی در زمان ارتکاب در جرم برای قانون‌شکنی‌های نسبتاً بالا مانند دزدی از مغازه، سرقت وسایل نقلیه و برخی از اشکال سوء مصرف مواد در

1. Laub, J. H. and Sampson

————— |آزمون نظریه بزهکاری فارینگتون و تلویحات اربردی آن بر روی زندانیان ایرانی | ۱۰۷ |

سال‌های بین اوایل دوران نوجوانی و اواخر جوانی و بزرگ‌سالی انگیزه‌های افراد تغییر می‌کند^۱ (مک گوایر، ۱۹۹۷a، ۲۰۰۱a؛ جامیسون و همکاران^۲، ۱۹۹۹).

برخی نظریه‌پردازان معتقدند که عوامل دخیل در جرم در چندین سطح عمل می‌کنند. مارتنز^۳ (۱۹۹۳) از رویکردی که براساس مطالعه تحول کودک با معیار سنجش بوم‌شناختی بود، مفاهیمی را معرفی نمود. کودک در حال رشد در شبکه ارتباطی پیچیده‌ای در چهار سطح قرار می‌گیرد:

نظام خرد^۴ (کودک و عواملی که بلادرنگ وی را احاطه کرده‌اند)، میان سیستمی^۵ (افراد مؤثر در خانه، مدرسه و بازی)، نظام بیرونی^۶ (موقعیت اجتماعی اقتصادی والدین و محیط)، نظام کلان^۷ (تأثیرات ساختاری و اجتماعی فرهنگی). مارتنز بویایی درونی بین عوامل مختلف در هر نظام را ارزیابی نمود و بعد دیگری را از تغییرات در طول زمان بیان نمود.

رویکرد چندلایه^۸ لی بلانک^۹ (۱۹۹۳) پیچیده‌تر بوده و متشکل از چندین مرحله ساخت نظریه است. اولین لایه، تمایز بین اعمال بزهکارانه، بزهکاران و بزهکاری به عنوان یک پدیده اجتماعی است. هر یک از این‌ها به‌نظر می‌رسد خودشان محصول تعامل چندین متغیر است. لی بلانک مدلی از مسیرهای علی در ارتباط با هر یک را ارائه می‌دهد. برآیند آن خرده نظام‌ها هستند و در نتیجه مدل هم‌ریختی^{۱۰} سه لایه را می‌سازد که تلفیقی کامل از ۱۸ متغیر به هم وابسته است. در اصل و به‌رغم پیچیدگی آن، این نوعی از نظریه کنترل است که جهت‌گیری اساسی آن به‌سوی درک عواملی است که موجب قوت یافتن یا تضعیف نمودن التزام به هنجارهای متعارف یا انگیزه‌های پرداختن به بزهکاری می‌شود. بنابراین لی بلانک به

-
1. Mutate
 2. Jamieson et al
 3. Martens
 4. Micro system
 5. Meso system
 6. Exo system
 7. Macro system
 8. Multi- layered
 9. LeBlanc
 10. Isomorphic

این معادله به ترتیب سه نوع عامل را افزود:

اقداماتی برای پیش‌گیری از اعمال بزهکارانه (هم چون حضور نگهبانان در مقابل فرصت‌های جرم).

ایجاد محدودیت‌های درونی در مجرمان احتمالی (هم چون دل‌بستگی به دیگران به‌ویژه مدل‌های اجتماع‌پسندانه در مقابل پیوند با تبهکاران).

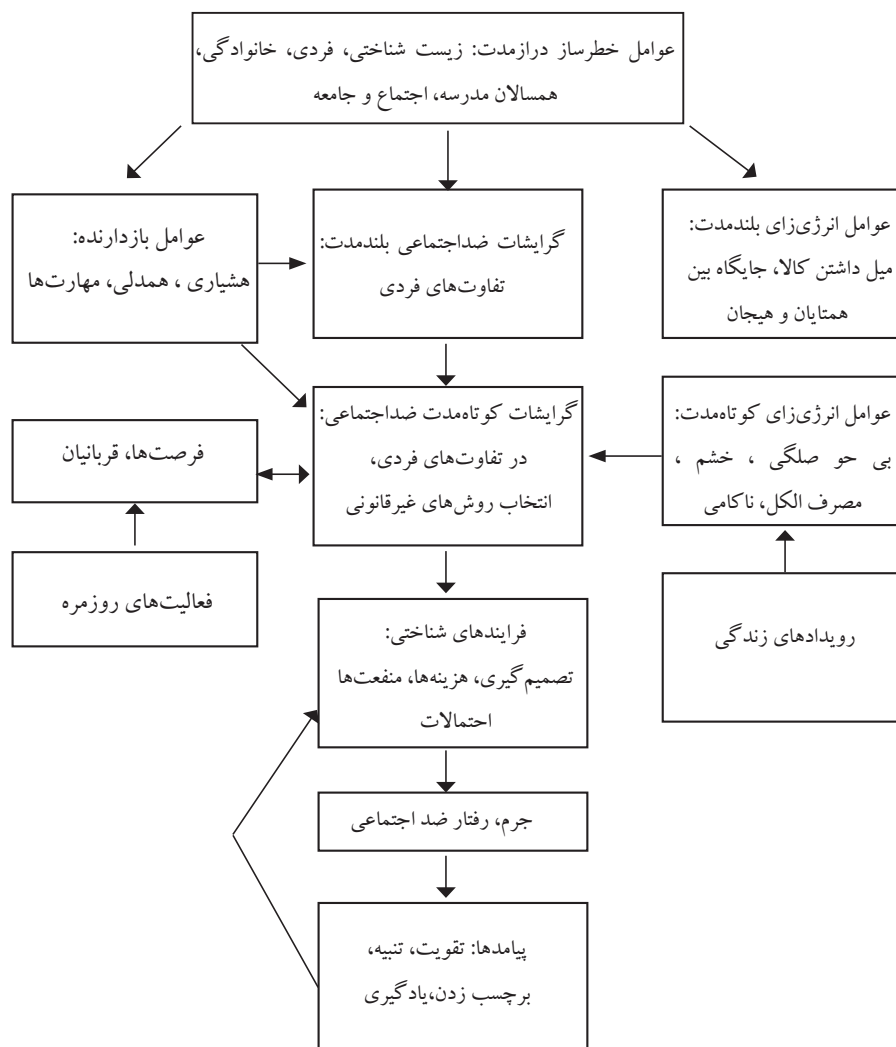
تعدیل سطح جرم در اجتماع به عنوان کل (ایجاد ساختارهایی برای فرصت‌های مشروع، اجرای قوانین در سازمان‌ها و مجازات جزایی بر علیه بی‌هنجاری و بی‌سازمانی اجتماعی).

مدل تلفیقی فارینگتون

در کوشش برای گسترش انسجام و پیوستگی نظریه‌ها، اکثر محققان جرم‌شناس سال‌های انتقال از اواسط دوران کودکی به نوجوانی را به عنوان مقطع زمانی که احتمالاً برای اولین بار رفتارهای آشوب‌زا بروز می‌یابد، مورد توجه قرار دادند. نظریه فارینگتون یک نظریه رشد گرا محسوب می‌شود که در آن فرض می‌شود که افراد در مسیرهای مشخص و قابل پیش‌بینی رشد می‌کنند، اما برخی به‌سوی جرم حرکت می‌کنند حتی اگر افراد رشد نابهنجاری داشته باشند این مسیر نیز قابل پیش‌بینی است.

عوامل فردی، شخصی و روان‌شناختی در کنار عوامل تحولی، خانوادگی، موقعیتی و اجتماعی و فرایندهای ساختاری و سیاسی در مقیاس بزرگ گردید. مدل تلفیقی از این نوع پس از گذشت چند سال توسط فارینگتون (۲۰۰۳) در تبیین علت رفتار قانون شکنانه و ضد اجتماعی در مردان طبقه کارگر مطرح شد. دیوید فارینگتون به عنوان فردی که موجب ورود روانشناسان به زمینه‌های اصلی جرم‌شناسی شده، معروف است. او روانشناس قانونی است و پورفسور در رشته جرم‌شناسی روان‌شناختی استاد دانشگاه کمبریج است او مدرک لیسانس، فوق لیسانس و دکتریش را از کمبریج در رشته روانشناسی دریافت نمود. حوزه مطالعاتی وی، بررسی رشد و تحول بزهکاری در گستره زندگی است او با بهره‌گیری از مطالعات طولی به بررسی ابعاد مختلف بزهکاری پرداخت. در این مدل عوامل زیست‌شناختی، روان‌شناختی، خانوادگی، گروهی و اجتماعی بر هم تأثیر گذارند. تمایز بین فرایندهای انرژی‌زا و بازدارنده

موجب رفتن به سوی اعمال بزهکارانه یا دوری جستن از آن شده و بین فرایندهای درازمدت تحولی و کوتاه مدت موقعیتی یا فرایندهای درونی و رویدادهای بیرونی تفاوت می گذارد.



نمودار ۲: نظریه تلفیقی فارینگتون، فارینگتون ۲۰۰۳

همان گونه که در این نمودار ملاحظه می شود عوامل خطر ساز در نظریه فارینگتون، ابعاد

زیست‌شناختی، فردی، خانوادگی، همسالان مدرسه، اجتماع و جامعه است. از این‌رو روند تکوین شخصیت‌های ضد اجتماعی یا بزهکارانه در این دیدگاه به‌خوبی مورد بحث قرار گرفته است. در این بین عوامل را به این صورت توضیح می‌دهد:

عامل فردی

در این مجموعه، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، از جمله سن، نژاد / قومیت و جنسیت

- بروز زود هنگام رفتار پر خاشگرا نه ،
- داشتن باورها، نگرش و رفتارهای ضد اجتماعی ،
- وجود مسائل و مشکلات و اختلالات روانی ، بی‌عاطفگی ، تکانش‌گری ، هوش پایین ، به‌خصوص هوش کلامی.

عامل خانواده

- وجود خانواده دارای ویژگی‌های ضد اجتماعی و یا داشتن سوء سابقه در بین اعضای خانواده ، از جمله پدر و مادر و خواهر و برادر
- جدایی پدر و مادر از کودک، که ممکن است به‌صورت دائم یا موقت باشد و ناشی از اختلال در کارکردهای خانواده، و یا زندگی کردن در مؤسسات یا خارج از خانواده
- درگیری والدین، از جمله شاهد خشونت خانگی بودن،
- شیوه‌های ضعیف مدیریت خانواده از جمله عدم نظارت و کنترل والدین، بروز رفتارهای خشن، متناقض و / یا نظم و انضباط سهل‌انگاری، و پشتیبانی کم والدین
- دل‌بستگی مثبت به عنوان یک عامل محافظ
- بدرفتاری با فرزند، از جمله سوء استفاده جسمی، جنسی و عاطفی، و غفلت جسمی و روحی

- خانواده‌های بزرگ دارای بیش از چهار کودک
- وضعیت اجتماعی و اقتصادی ضعیف خانواده

عامل همسالان

- حضور دوستانی با رفتارهای ضد اجتماعی یا بزهکارانه

- عضویت در گروه‌های بزهکاری و یا همکاری با آنها
- طرد توسط دوستان
- عامل مدرسه
- داشتن عملکرد ضعیف تحصیلی
- حضور اندک در مدرسه از جمله تعلیق، اخراج، پرسه زنی و ترک مدرسه
- بی‌علاقگی نسبت به تحصیل و مدرسه

عامل جامعه / محله

- میزان محرومیت اجتماعی در جامعه
 - میزان ایمنی / خشونت در جامعه
- هریک از این عوامل دارای ارتباط متقابل با سایر عوامل هستند و می‌توانند نقش تداوم‌بخش و حتی بازدارنده داشته باشند.
- در این نظریه نقش عوامل زیستی تا عوامل اجتماعی مورد تأکید است و از این رو ابعاد مختلفی مورد بحث و توجه قرار می‌گیرد.
- هر گونه خلل و آسیبی که منجر به سوء کارکرد این عوامل می‌گردد زمینه بروز بزهکار را می‌تواند تسهیل کند.

فارینگتون، ۴۱۱ پسر ساکن لندن را از سال ۱۹۵۳ به مدت ۲۴ سال مورد مطالعه قرار داد. او در این مدت ۸ بار با این افراد مصاحبه نمود. از سن ۸ سالگی آغاز و آخرین مصاحبه در ۳۲ سالگی، انجام گرفت. وی از روش‌های کمی و کیفی در این مطالعه بهره گرفت. هدف اصلی تعیین کردن پیش‌بینی‌کننده‌ترین عوامل رفتار بزهکارانه در طول زندگی بود. از این رو او به مطالعه پویایی‌های مختلف نظام خانوادگی، تجارب و تعاملات بین فردی و ارتباط با نظام دادگستری، پلیس یا دادگاه، شرکت در اقدامات بزهکارانه، داشتن رفتارهای ضد اجتماعی یا پرخاشگرانه نسبت به دیگران، احساس ضدیت با ساختار اجتماعی، تجربه جنسی و... او مطابق با یافته‌هایش سه گزارش تهیه کرد. برخی از نکات اصلی این مطالعه عبارت‌اند از: بین ویژگی‌های شخصیتی ضداجتماعی با ارتکاب مکرر جرم رابطه وجود دارد. مذکر

بودن در خانواده پرجمعیت زندگی کردن دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین بودن، نبود نظارت کافی، مواجه شدن با تنبیهات شدید، جدایی و طلاق والدین، داشتن والد یا خواهر یا برادر بزرگتری که در امور مجرمانه دخیل است، علاوه بر این بین ارتکاب جرم و رفتار در دوران کودکی با بروز رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. همچنین این رفتارها دارای ماهیتی چرخه ای دارند. آنان از سبک زندگی مجرمانه، پیروی می کنند و سپس خانواده های خودشان را بنیان می گذارند و از این رو همان رفتارهای بزهکارانه، برای فرزندانش عادی تلقی می شود. اوج رفتارهای بزهکارانه در سنین ۱۷-۱۸ سالگی بروز می یابد. از این رو شیوه های فرزندپروری عامل پیش بینی کننده ای در بزهکاری فرد در آینده است. ظهور اولین علائم مربوط به رفتار بزهکارانه اوایل هشت سالگی است که به شکل دروغ گویی و پرخاشگری ظهور می یابد. در مدرسه چنین افرادی پیشرفت تحصیلی پایینی دارند و به عنوان بی قرار، دردرس ساز، بیش فعال، تکانشی و مدرسه گریز شناخته می شوند. او همچنین ارتباط پایداری را بین افراد دارای سوء سابقه مکرر با دوستانی که دارای رفتار ضد اجتماعی هستند، یافت. در این مطالعه او دریافت که مجرمان در دوران کودکی معمولاً دارای خانواده های نابسامان و از هم گسیخته بوده اند و همین امر موجب می شود تا آنان شرایط اجتماعی دشواری را تجربه کنند و بزهکاری از نسلی به نسل دیگر انتقال یابد.

عوامل محافظت کننده جوانان شامل شخصیت خجالتی، خانواده غیر منحرف، مورد توجه مادر بودن است. داشتن شغل خوب، متأهل بودن، دور بودن از افراد مجرم و نداشتن ارتباط با آنهاست.

در مطالعه دیگری که فارینگتون با همکاری رولف لوبر در خصوص فرایندهای تحولی بزهکاری انجام داد. ۱۵۰۰ پسر پیتزبورگی مورد مطالعه قرار گرفتند از بین آنها ۵۰۰ نفر که در کلاس های اول، چهارم و هفتم تحصیل می کردند، به همراه معلمان و مادرانشان مورد بررسی قرار گرفتند. این مطالعه بر روی پسران ۷ تا ۱۷ سال انجام شد و یک گروه دیگر که از سن ۱۳ تا ۲۳ قرار داشتند. فارینگتون همچنین مطالعات کیفی و مقایسه ای در حوزه های جرم شناسی، زورگویی، جرم و سلامت جسمانی، دزدی از فروشگاه، پیشگیری تحولی تحلیل هزینه - فایده و... او بیش از ۵۵۶ مقاله در حوزه جرم شناسی و روانشناسی مطرح

————— |آزمون نظریه بزهکاری فارینگتون و تلویحات اربردی آن بر روی زندانیان ایرانی | ۱۱۳ |

ساخت، ۸۹ کتاب، تک‌نگاشت و گزارش‌های دولتی منتشر ساخت. او جوایز مختلفی را دریافت کرده است. در سال ۲۰۱۰ جایزه انجمن جرم‌شناسی بخش تجربی جرم‌شناسی برای دستاوردهای طول عمر و در سال ۲۰۱۱، درجه استاد افتخاری از دانشگاه‌ها در چین را دریافت نمود فارینگتون (۲۰۱۴).

در سطح نظری، تحقیقات فارینگتون چند ایده اساسی را در خصوص رفتار مجرمانه مطرح ساخت:

۱. عوامل دوران کودکی پیش‌بینی کننده تداوم رفتارهای ضداجتماعی و مجرمانه در نوجوانی و بزرگسالی است.

۲. محرومیت اقتصادی، پدر و مادر فقیر، یک خانواده ضد اجتماعی و یا بزهکار، و شخصیتی با ویژگی‌های تکانش‌گری، بیش‌فعالی و کمبود توجه موجب افزایش خطر ابتلا به رفتارهای ضد اجتماعی در دوران کودکان است؛

۳. نوجوانان با انگیزه دستیابی به کالاهای مادی، کسب هیجان و جایگاه در بین همسالان؛ دست به اقدامات بزهکارانه می‌زنند

۴. شیوه فرزندپروری حاصل نظم و انضباط همراه با نظارت جدی پدر و مادر، باعث کاهش خطر بزهکاری و بروز رفتار ضد اجتماعی می‌گردد

۵. در دوران بزرگسالی، داشتن یک کار خوب، ازدواج، و دوری محل مسکونی از مناطق جرم‌خیز، بازدارنده بزهکاری است

هدف از این گزارش را به انجام یک بررسی کاملی از ادبیات برای شناسایی عوامل خطر عمده برای شروع و تداوم رفتار ضد اجتماعی و بزهکار در کودکان و نوجوانان بود. به‌منظور تسهیل ارتباطات واضح و روشن از یافته‌های مهم از ادبیات، این گزارش شامل تعاریف اصطلاحات مربوطه، از جمله عوامل خطر، ارتباط، نشانگر، عوامل دیستال و پروگزیمال خطر و عوامل محافظ و ارتقا. ماهیت پژوهش عامل خطر (RFR) پارادایم به ارائه یک چارچوب برای ادبیات وسیع و گسترده توصیف شد.

نتایج بررسی ادبیات پژوهشی نشان داد که عوامل خطر به‌طور عمده در پنج حوزه زندگی قرار می‌گیرند: (۱) فردی؛ (۲) خانوادگی؛ (۳) همسالان؛ (۴) مدرسه؛ و (۵) جامعه / محله.

عوامل خطر زیر در مطالعات متعدد مشخص شد، و یا دارای اندازه اثر قوی در فرا تحلیل بوده‌اند و بنابراین همان‌طور که ملاحظه می‌شود اساس بروز رفتارهای بزهکارانه عمدتاً از دیدگاه فارینگتون بر مبنای روان‌شناختی قرار گرفته است که در روند رشد و تحول آدمی هویدا می‌شوند و در تعامل با سایر متغیرها، زمینه بروز رفتارهای بزهکارانه را موجب می‌شوند. از این‌رو در این نظریه ریشه مسائل بزهکارانه را باید در عوامل روان‌شناختی جستجو کرد.

پیشینه پژوهش‌های داخلی

سیف قره یناف، خالقی و مهدی پور (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان "بررسی جرم‌شناسی تأثیر عوامل فردی و خانوادگی بر حجم و ساخت بزهکاری" نشان داد که بین گروه بزهکاران و بهنجار از حیث ساختار گسسته خانواده، معاشرت با همسالان مجرم، نظارت والدین و سبک دل‌بستگی تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین بین متغیر نظارت والدین و گسسته بودن ساختار خانواده با بزهکاری همبستگی منفی وجود دارد.

فرزانه، ملانی، جلودار و زمانی راد (۱۳۹۴) در بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان ۱۲-۱۸ ساله به بزهکاری در کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان دریافتند که از میان متغیرهای پژوهش، متغیر گسیختگی خانواده نقش اساسی در بزهکاری نوجوانان دارد. در میان عوامل خانوادگی، گسیختگی خانواده، روابط اعضای خانواده، کنترل و نظارت والدین، باورها و اعتقادات مذهبی خانواده و انحراف یکی از اعضای خانواده با گرایش نوجوانان به بزهکاری رابطه معناداری دارند، میان سختگیری والدین و احساس طرد شدن از سوی خانواده با گرایش نوجوانان به بزهکاری رابطه معناداری مشاهده نشد.

خدابخشی کولایی، علیزاده، منصور، تقی پور و فلسفی نژاد (۱۳۹۳) در بررسی حمایت اجتماعی ادراک شده خانواده و دوستان و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در نوجوانان دختر و پسر بزهکار و غیر بزهکار، نشان دادند که در نوجوانان بزهکار، میانگین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بالاتر و در مقابل سطح حمایت اجتماعی پایین‌تری داشتند. همچنین، پسران بزهکار، میانگین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بالاتری در مقایسه با پسران غیر بزهکار داشتند و از سطح حمایت اجتماعی متفاوتی برخوردار بودند، بین دو گروه دختران بزهکار و غیر

بزهکار، از لحاظ حمایت اجتماعی ادراک شده و طرح‌واره های ناسازگار اولیه تفاوت معناداری وجود داشت .

ابراهیمی قوام و طباطبایی یزدی (۱۳۹۳) در بررسی طرح‌واره های ناسازگار اولیه بزهکاران دختر و پسر مرتکب جرائم خشن و غیر خشن در کانون اصلاح و تربیت، دریافتند میانگین نمرات دختران جرم‌های غیر خشن در برخی مؤلفه‌های طرح‌واره های ناسازگار اولیه و در نمره کل به‌طور معناداری بالاتر از میانگین نمرات کل پسران جرم‌های غیر خشن بود میانگین نمرات دختران جرم‌های خشن در محرومیت هیجانی ، به‌طور معناداری بالاتر از میانگین نمرات پسران بود میانگین نمرات دختران جرم‌های خشن در برخی مؤلفه‌های طرح‌واره های ناسازگار اولیه ، به‌طور معناداری بیش از میانگین نمرات دختران جرم‌های غیر خشن بود . میانگین نمره کل به‌طور معناداری بیش از میانگین نمرات پسران جرم‌های غیر خشن بود . میانگین نمرات بزهکاری جرم‌های خشن در برخی مؤلفه‌های طرح‌واره های ناسازگار اولیه به‌طور معناداری بالاتر از میانگین نمرات بزهکاران جرم‌های غیر خشن بود.

صادقی فسایی و میرحسینی (۱۳۹۳) در تحلیل جامعه‌شناختی روایت زنان از زندان پس از آزادی ، نشان دادند که چگونه زندان ، زنان را در موضع خاصی قرار می‌دهد و برای آن‌ها پیامدهای بسیار جدی را رقم می‌زند که بخش عمده‌ای از آن توسط زنان منفی تلقی می‌شود و تبعاتی چون طرد خانوادگی و اجتماعی ، دوری از فرزندان و تأثیرات حبس ، آموزش و یادگیری بزهکاری در زندان ، و را برای آن‌ها به دنبال دارد بااین حال ، زنان سابقه‌دار ، دریافت آموزش مهارت‌های فنی ، و حرفه‌ای در زندان و مواردی از این قبیل را حاصل سابقه حبس خود می‌دانند. زنان فارغ از جرم ارتكابی محیط زندان را فضایی مبتنی بر قدرت و خشونت می‌بینند.

حسینی و شاهقلیان (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان ابرازگری هیجانی، کنترل هیجانی و دوسوگرایی در ابراز هیجان در دختران فراری و بهنجار، نشان دادند که در مؤلفه‌های بازداری هیجانی، کنترل پر خاشگیری و نشخوار از سبک کنترل هیجانی، میانگین نمرات دختران بهنجار بیشتر از دختران فراری است. در حالی که در مؤلفه‌های کنترل خوش خیم این سبک تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد. در هر سه مؤلفه ابراز هیجان مثبت، ابراز صمیمت و

ابراز هیجان منفی سبک ابرازگری هیجانی، دختران بهنجار در مقایسه با دختران فراری نمرات بالاتری کسب نمودند. همچنین در هر دو مؤلفه دو سوگرایی در ابراز هیجان مثبت و دو سوگرایی در ابراز استحقاق سبک دو سوگرایی در ابراز هیجان، گروه دختران فراری نمرات بالاتری در مقایسه با دختران بهنجار کسب نمودند. همبسته‌های رفتاری سبک‌های کنترل و ابراز هیجان یکی از عوامل مهم خطر ساز بزهکاری و بروز پدیده فرار است و تلویحات کاربردی فراوانی در زمینه مداخلات پیشگیرانه و درمان رفتارهای بزهکارانه دارد. شایگان، و محمدی (۱۳۹۳) نتایج نشان داد که بین دو گروه مجرم و غیر مجرم از نظر اعتیاد همسر و از هم گسیختگی خانوادگی تفاوت معناداری وجود داشت. ولی از نظر محرومیت از دسترسی به امکانات آموزشی و شغلی مناسب و محل زندگی و حاشیه‌نشینی تفاوتی که از نظر آماری معنادار باشد وجود نداشت.

عسگری، زکی‌پی و علی‌خانی (۱۳۹۰) در بررسی مداخله‌های پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (تأکید بر نقش خانواده)، نتایج پژوهش بیانگر آن است که بی‌سوادی و کم‌سوادی در خانواده‌هایی که نوجوان بزهکار به آن تعلق دارد، بالاست و میزان اختلافات خانوادگی و نزاع میان والدین، اعتیاد اعضای خانواده، خشونت، تنبیه و تبعیض والدین علیه کودکان آن خانواده شایع است و از یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که اعتیاد والدین، اختلافات خانوادگی، خشونت، تنبیه و تبعیض والدین علیه فرزندان در بزهکاری نوجوانان مؤثر است. معظمی و نجیب اصفهانی (۱۳۹۱) این پژوهش با تمرکز بر تاثیر خشونت و سوء رفتار خانواده بر بزهکاری کودکان، ارتباط قوی بین خشونت و سوء رفتار و غفلت را در خانواده علیه کودکان و در بروز بزهکاری نشان داد.

انصاری نژاد (۱۳۹۰) در تحلیل بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران، در مقایسه دو گروه بزهکار و عادی نشان داد که عزت نفس گروه عادی بیش‌تر از گروه بزهکار است. نگرش به پلیس و قانون در گروه عادی مثبت‌تر از گروه بزهکار است. پرخاشگری گروه بزهکار بیشتر از گروه عادی است. تحمل ناکامی گروه عادی بیشتر از گروه بزهکار است. دختران عادی با عزت نفس بالاتر، در برابر پلیس و قانون نگرش مثبت‌تری دارند. پسران عادی در مقایسه با سایر گروه‌ها به قانون نگرش به پلیس در بین پسران عادی و بزهکار

و دختران بزهکار رابطه معنادار وجود دارد، ارتباط معناداری بین عزت نفس و نگرش به قانون در بین پسران عادی و بزهکار و دختران بزهکار وجود دارد ارتباط منفی معناداری بین عزت نفس و تحمل ناکامی و پرخاشگری در بین دختران گروه عادی و پسران بزهکار وجود دارد. شاخص عزت نفس و نگرش به قانون، به طور معنی داری بزهکاری را پیش بینی می کنند.

حمزه لو و مشهدی (۱۳۸۹) در مقایسه بازداري رفتاری در نوجوانان بزهکار با یا بدون سابقه سوء مصرف مواد و نوجوانان بزهکار نشان دادند که نوجوانان بزهکار نسبت به نوجوانان عادی عملکرد ضعیف تری در بازداري رفتاری داشتند، اما بین گروه بزهکاران با یا بدون سوء مصرف مواد تفاوت معناداری وجود نداشت. نارسایی بازداري رفتاری می تواند یکی از علل زیر بنایی گرایش به بزهکاری باشد. این یافته نیز ضرورت مداخله های متمرکز بر بهبود کنش های اجرایی در نوجوانان بزهکار را تأیید می کند

اسماعیلی (۱۳۸۹) در بررسی علل جامعه شناختی بزهکاری نوجوانان در استان گلستان دریافته اند که درآمد، تحصیلات مادر و مسائل خانوادگی سه شاخص مهم خانواده هستند که رابطه معناداری با بزهکاری نوجوانان داشته اند، بنابراین خانواده به عنوان یک متغیر با بزهکاری نوجوانان همبستگی دارد. همچنین دوستان ناباب با گروه همسالان نیز نقش مهمی در بزهکاری نوجوانان پسر ایفا نموده اند که نشان تأیید تئوری افتراقی ساترلند و کنترل اجتماعی هیرشی است. بنابراین خانواده و دوستان ناباب دو متغیر کلیدی در بزهکاری نوجوانان محسنی تبریزی و نوروزی گودرزی (۱۳۸۹) در بررسی میزان دین داری در کاهش ارتکاب رفتار مجرمانه جوانان، دریافته اند که در گروه جوانان غیر مجرم، متغیر مناسکی در چهارچوب کاهش رفتار مجرمانه بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد و بیشترین میزان واریانس را تعیین می کند، تنها این بعد است که بر متغیر وابسته یعنی کاهش ارتکاب رفتار مجرمانه تاثیر مستقیم داشته است و بقیه متغیرهای تحقیق یعنی ابعاد اعتقادی و پیامدی و تجربی تاثیر غیرمستقیمی بر میزان ارتکاب رفتار مجرمانه داشته اند. در بین افراد مجرم نیز مشاهدات تجربی نشان دهنده آن است که دو متغیر مستقل پیامد دینی و مناسک دینی مستقیم بر متغیر وابسته تحقیق یعنی رفتار مجرمانه دارند و بقیه متغیرها یعنی بعد اعتقادی تجربی

دین‌داری تاثیر غیرمستقیمی بر رفتار مجرمانه دارند.

حبیب زاده ملکی و قاسمی (۱۳۸۸) در مطالعه رابطه بین استفاده از رسانه‌های صوتی تصویری و بزهکاری نوجوانان، ها نشان دادند که استفاده بیش از ۵ ساعت از تلویزیون، در گروه نوجوانان غیر بزهکار، ۲۱/۵ درصد و در گروه نوجوانان بزهکار، ۳۳ درصد است. همچنین استفاده از اینترنت در گروه نوجوانان غیر بزهکار ۶/۳۹ درصد و در گروه نوجوانان بزهکار ۶/۶۷ درصد است. برخی از نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین میزان استفاده نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار از ماهواره، تفاوت معناداری وجود ندارد اما نوجوانان بزهکار به‌طور معناداری کمتر از نوجوانان غیر بزهکار از اینترنت و به‌طور معناداری بیشتر از آنان از تلویزیون استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد، بین استفاده طولانی مدت از تلویزیون، با احتمال بروز بزهکاری در نوجوانان رابطه وجود دارد.

ساکي و جاريانی (۱۳۸۸) در بررسی عوامل خانوادگی و شخصیتی مؤثر در بزهکاری در نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت شهر خرم آباد، نشان دادند که بین سابقه مردودی، وضعیت اقتصادی خانواده، در قید حیات بودن والدین، تحصیلات و شغل پدر، تحصیلات و شغل مادر، ارتباطات بین فردی اعضای خانواده و والدین و وجود کشمکش، درگیری و تعارض در خانواده دو بزهکار و غیربزهکار گروه تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین ویژگی‌های عاطفی و شخصیتی همچون پرخاشگری، اضطراب، افسردگی، اختلالات خود بیمارانگاری، اختلال وسواسی حبری، اختلال هیستریک، اختلال سایکوتیک، پارانوئیدی و فوبیا در گروه مورد و شاهد تفاوت معناداری وجود دارد.

شریفی نیا (۱۳۸۸) در بررسی اثر بخشی درمان یکپارچه توحیدی در کاهش بزهکاری زندانیان، نشان داد که از مشکلات زندانهای کشور نرخ بالای وقوع بزهکاری و رفتارهای غیر قانونی زندانیان در داخل زندان است. این رفتارها عمدتاً غبارتند از: پرخاشگری و درگیری، سرپیچی از مقررات و قوانین، مصرف مواد و نگهدار داروهای غیر مجاز، خودآزاری و خودزنی، آشوبگری و تخریب اموال. برای بررسی میزان کارآمدی درمان یکپارچه توحیدی در کاهش بزهکاری زندانیان، ۱۰۰ نفر از زندانیان زندان مرکزی قم به‌صورت تصادفی انتخاب و در دو گروه ساماندهی شدند. گروه اول به مدت ۹ ماه در معرض درمان

————— | آزمون نظریه بزهکاری فارینگتون و تلویحات اربردی آن بر روی زندانیان ایرانی | ۱۱۹ |

یکپارچه توحیدی قرار گرفت. ولی گروه گواه به جز موارد بحرانی، مداخله سازمان یافته ای دریافت نکرد. تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از پیش آزمون و پس آزمون نشان داد که نرخ وقوع رفتارهای مجرمانه در گروه درمان یکپارچه توحیدی ۹۰ درصد کاهش یافت، اما در گروه گواه کاهش معناداری مشاهده نگردید.

محسنی تبریزی و کریمی (۱۳۸۶) در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرائم خشونت آمیز جوانان ذکور ۱۸ تا ۲۵ ساله همدانی، نشان دادند که عوامل عدم موفقیت تحصیلی، خشونت در خانواده، از هم گسیختگی خانوادگی، بزهکاری والدین، یادگیری جرائم از طریق رسانه ها، داشتن دوستان ناباب، داشتن و نحوه گذراندن اوقات فراغت و ولنگاری پدر مجرمین به عنوان عوامل اجتماعی بر خشونت جوانان همدانی تاثیر دارند، به منظور کاهش جرائم خشونت آمیز جوانان ذکور همدانی پیشنهاد می شود پلیس متناسب با هر کدام از عوامل تأثیر گذار بر خشونت راهکارهای مناسب را جهت کاهش جرائم خشونت آمیز بکار برد.

افراسیابی و اکبرزاده (۱۳۸۶) در بررسی و مقایسه شیوه‌های مقابله با استرس در نوجوانان عادی و بزهکار شهر تهران، نشان دادند که تفاوت معناداری میان شیوه‌های مقابله با استرس در نوجوانان عادی و بزهکار وجود دارد. همچنین در این پژوهش رابطه میان شیوه‌های مقابله با استرس و جنس در نوجوانان دختر و پسر عادی و بزهکار، معنادار بوده است. در این تحقیق تفاوت معنادار بین شیوه‌های مقابله با استرس در نوجوانان عادی و بزهکار بیانگر تاثیر مهم روش‌های مقابله با استرس به عنوان یکی از عوامل پیشگیری از بزهکاری نوجوانان و کمک به آن‌ها در سازگاری با تغییرات و عوامل فشارزا است.

هاشمیان فر و اکبرزاده (۱۳۹۳) در بررسی و مقایسه مشارکت اجتماعی والدین نوجوانان بزهکار و نوجوانان عادی در امور مدرسه، نشان دادند که در زمینه مشارکت تربیتی-پرورشی والدین بر اساس قیود اجتماعی نظریه هیرشی، بین دل‌بستگی به خانواده و باور به هنجارهای اجتماعی نوجوانان بزهکار و نوجوانان غیر بزهکار تفاوت معنادار وجود دارد. اما در زمینه تعهد به اهداف مدرسه بین نوجوانان بزهکار و نوجوانان غیر بزهکار تفاوت معنادار وجود ندارد. همچنین نتایج تحقیق در زمینه مشارکت آموزشی والدین نیز بیانگر آن است که تفاوت معناداری بین میانگین درگیر بودن در امور آموزشی و فوق برنامه مدرسه در بین

نوجوانان غیر بزهکار بیشتر از نوجوانان بزهکار وجود دارد.

محمدی اطاقسرا، همایونی و اسحاقی (۱۳۹۳) در بررسی رابطه بین هوش هیجانی با سلامت روانی در نوجوانان بزهکار و عادی نشان داد که بین ابعاد هوش هیجانی با ابعاد سلامت روان در نوجوانان عادی و بزهکار رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. همینطور تحلیل رگرسیون حاکی از وجود همبستگی چند گانه معنادار بین ابعاد هوش هیجانی با سلامت روانی در گروه عادی بود که از میان مؤلفه‌های هوش هیجانی به کارگیری هیجان بهترین پیش‌بینی کننده سلامت روانی نوجوانان بود. نتایج مقایسه میانگین‌های دو گروه نیز نشان می‌دهد که نوجوانان بزهکار نمرات بیشتری در ابعاد بیماری‌های روانی و نمرات کمتری در ابعاد هوش هیجانی کسب کردند.

حسینیان، فرخجسته، عبدالحی و رقیه نوری پورلباولی (۱۳۹۳) در بررسی رابطه رفتارهای پرخطر و هیجان خواهی با میزان گرایش به اعتیاد در زنان بزهکار، دریافتند که بین میزان هیجان خواهی و شدت و تازگی آن و همچنین بین شدت رفتارهای پرخطر با گرایش به اعتیاد در زنان بزهکار رابطه معناداری وجود دارد. پس می‌توان گفت که هیجان خواهی و رفتارهای پرخطر می‌توانند میزان گرایش به اعتیاد را در زنان بزهکار پیش‌بینی کنند. همچنین وجود رفتارهای پرخطر و شدت هیجان خواهی می‌تواند نقش مهمی در گرایش زنان بزهکار به اعتیاد داشته باشد.

شکرشکن، نیسی و سپهوند (۱۳۸۸) در مقایسه هیجان خواهی، عزت نفس، جو عاطفی خانواده و وضعیت اجتماعی - اقتصادی در نوجوانان پسر بزهکار و عادی نشان دادند که بین دو گروه از لحاظ هیجان خواهی، عزت نفس، جو عاطفی خانواده و وضعیت اجتماعی - اقتصادی تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که هر دو گروه از لحاظ جو عاطفی (تائید کردن، تشویق، محبت، امنیت و اعتماد) تفاوت معنادار دارند.

مشکاتی و مشکاتی (۱۳۸۱) در سنجش تاثیر عوامل بیرونی و درونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان، نشان دادند که هر قدر وابستگی نوجوان به خانواده قوی تر باشد، از شدت عمل بزهکارانه کاسته می‌شود. باورهای مذهبی عامل بازدارنده بزهکاری اند و نگرش‌های منفی نسبت به قانون، مجریان قانون، و هنجارهای اجتماعی باعث تقویت بزهکاری می‌شوند.

————— | آزمون نظریه بزهکاری فارینگتون و تلویحات اربردی آن بر روی زندانیان ایرانی | ۱۲۱ |

سرانجام ارتباط با بزهکاران به صورت صمیمی و منسجم قویا نوجوان را به سوی بزهکاری سوق می دهد.

با توجه به مبانی نظری و یافته های پژوهش های داخلی و خارجی ملاحظه می شود عوامل ریسک و پرخطر در بزهکاران در قالب ابعاد فردی، خانوادگی، تحصیلی، همسالان و همسایگان و اجتماع قابل تبیین است. بنابراین در مطالعه حاضر نظریه تلفیقی فارینگتون که مجموعه این عوامل را مورد ارزیابی قرار می دهد، در بررسی مسایل بزهکاران مورد مطالعه مورد استفاده قرار گرفت.

متدولوژی تحقیق

این مطالعه براساس روش های مطالعه کیفی در طی پنج سال زندان های زاهدان، شهید کچویی استان البرز، کانون اصلاح و تربیت استان تهران و کانون اصلاح و تربیت استان البرز و کانون اصلاح و تربیت استان سیستان و بلوچستان با استفاده از روش مصاحبه انجام شده است. در این مطالعه که بر روی ۱۲۰ مددجو (۸۰ زن و ۴۰ مرد) صورت گرفته است. ۸۰ مددجوی زن که در دامنه سنی ۱۶ تا ۵۲ سال قرار داشتند و میانگین سنی آن ها ۳۲ سال بودند و ۴۰ مددجوی پسر کانون های اصلاح و تربیت (۱۴-۱۹) با میانگین سنی ۱۶٫۶ از استان های مذکور است.

روش تحلیل داده ها، کدگذاری مصاحبه های انجام شده و تفسیر داده های گردآوری شده، است.

سوالات مصاحبه:

سوالات مصاحبه قلمروهای مختلفی را در بر می گرفت و می توانست گویای واقعیت های مشخصی در زندگی افراد مورد مصاحبه باشد. حیطه های مورد مصاحبه به شرح زیر است:

الف - سابقه خانوادگی

۱. حضور و یا فوت یکی یا یکی از والدین

۲. پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین

۳. تعداد خواهر و برادران

۴. ترتیب تولد

۵. سابقه اعتیاد و یا ترک آن

۶. مجرد ، متأهل بیوه یا مطلقه بودن

۷. وضعیت همسر به لحاظ سن، تحصیل، شغل

۸. تعداد فرزندان

۹. وضعیت جسمانی و روانی فرزندان

۱۰. وجود مشکل با همسر (اختلاف خانوادگی، طلاق ، اعتیاد،...)

۱۱. منطقه و محل سکونت

ب- تجارب دوران کودکی :

۱. کیفیت دل بستگی و ارتباط با مراقبان و اطرافیان

۲. ارتباط با همسالان و سایر افراد مؤثر

۳. سوء استفاده جسمی ، جنسی و هیجانی

۴. سابقه بیماری جسمی و یا معلولیت

۵. سابقه بیماری های روانی

۶. سابقه بستری شدن در بیمارستان

۷. تجارب خوشایند و ناخوشایند

۸. وجود سوء کارکرد خانواده (اختلاف خانوادگی، طلاق ، فقدان والدین ، اعتیاد،...)

۹. سابقه فرار از خانه

۱۰. نوع ارتباط با خواهر و برادران

ج- تجارب آموزشی :

۱. وضعیت هوشبهر

۲. مقاطع تحصیلی گذرانده شده

۳. میزان موفقیت و یا شکست تحصیلی مقطع یا پایه

۴. خوردن برچسب و القاب

۵. علت ترک تحصیل

د- ارتباط با همسالان و همسایگان

۱. داشتن سابقه روابط صمیمانه با دوست همجنس و غیر همجنس
۲. وجود دوستانی که جز گروه های بزهکار باشند (دزد، شرور و فروشنده یا توزیع کننده مواد مخدر...)

۳. عضویت در گروه های اوباش

ح - شیوه حل مشکلات و تعارضات

۱. کمک خواهی
۲. استفاده از روش های حل مساله به تنهایی
۳. شیوه های هیجان محور
۴. بروز واکنش های تکانشی و ناگهانی خشم

و- سابقه ارتکاب جرم

۱. نوع جرم
۲. سن ارتکاب جرم
۳. شرایط بروز جرم
۴. انگیزه ارتکاب جرم
۵. علل تاثیرگذار بر بروز جرم و بزهکاری
۶. نقش خانواده
۷. نقش دوستان
۸. نقش رسانه ها

- عوامل انرژی زای بلند مدت

۱. بزرگترین آرزویت در زندگی
۲. ماهیت تصور از آینده در اقدام به جرم

ح - عوامل انرژی‌زای کوتاه‌مدت

۱. وقت‌هایی که خیلی تحت فشار بودی چه می‌کردی؟
۲. ماهیت بدترین خاطره زندگی و نوع واکنش نسبت به آن

ز - عوامل بازدارنده

۱. میزان آگاهی نسبت به عواقب کارخلاف
۲. علت انجام کار خلاف به جای استفاده از مهارت‌های آموخته شده
۳. تصور وضعیت قربانی
۴. فرایندهای شناختی
۵. بهترین و بدترین تصمیمات زندگی
۶. عوامل تاثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها
۷. تعیین نوع خطاهای شناختی در تفکر
۸. پیامدها
۹. میزان برآورد هزینه - فایده

یافته‌های پژوهش

یافته‌های بخش مصاحبه عمیق با زندانیان بند نسوان زندان زاهدان، زندان شهید کچویی کرج و کانون‌های اصلاح و تربیت استان‌های مذکور با مقوله بندی که فارینگتون در تحول روند بزهکاری اشاره داشت، همسویی نزدیکی در مقوله‌های زیر دارد :

در مقوله خانواده :

۱. پرجمعیت بودن خانواده
۲. پایین بودن پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده
۳. وجود تعارض در خانواده
۴. وجود عضو سوء سابقه‌دار در خانواده
۵. معتاد بودن هر دو والد یا یکی از والدین
۶. عدم نظارت کافی یا سختگیری بیش از حد

۷. تجربه تنبیهات شدید در خانواده
۸. تجربه مورد بدرفتاری و آزار جسمی، هیجانی و جنسی قرار داشتن
۹. تامین خرجی خانواده از هر راهی
۱۰. حضور یک عضو بیمار یا معلول در خانواده
۱۱. زندگی با خویشاوندان
۱۲. دوری از خانواده به دلیل تامین معاش
۱۳. عدم توجه به نیازهای درمانی اعضای خانواده توسط سرپرست خانوار
۱۴. داشتن انتظارات نابجای خانواده یا مراقبت کننده از فرد
۱۵. وجود والدین سرزنشگر
۱۶. کمبود توجه و مهر مادری
۱۷. شاهد روابط خصوصی والدین بودن

عوامل فردی

۱. داشتن ازدواج زود هنگام (زنان مددجو)
۲. بلوغ زودرس
۳. فقدان حمایت عاطفی
۴. فقدان حمایت های اجتماعی و حقوقی از سایر افراد یا نهادهای اجتماعی
۵. داشتن مشکلات روحی
۶. بدنامی
۷. هیجان خواهی
۸. تکانش گری
۹. داشتن سبک دل بستگی نایمن
۱۰. نداشتن احساس همدلی
۱۱. احساس استیصال و درماندگی در مقابل مشکلات
۱۲. احساس رها شدگی

۱۳. احساس خودارزشمندی ضعیف
۱۴. نداشتن چشم انداز در زندگی
۱۵. داشتن خطاهای شناختی انکار مسئولیت، انکار آسیب، انکار قربانی، سرزنش بازداشت کنندگان، درخواست وفاداری بیشتر، لوث مسئولیت، دلیل تراشی، مقایسه سودمند، غیرانسانی کردن، توجیه اخلاقی
۱۶. داشتن روابط نامشروع
۱۷. نداشتن مهارت‌های حرفه‌ای
۱۸. مورد آزار جنسی و جسمانی قرار گرفتن
۱۹. تامین معاش از راه های غیر متعارف
۲۰. دایم الخمر بودن و یا مصرف داروهای روانگردان سرپرست خانواده یا نزدیکان
۲۱. ابتلا به بیماری های روانی و مصرف داروهای روانگردان سرپرست خانواده یا نزدیکان
۲۲. تجربه زودهنگام سرپرست خانوار بودن به علت عدم حضور یا ناتوانی والدین
۲۳. تجربه دستفروشی و کودک کار بودن
۲۴. داشتن نگرش های منفی و بدبینانه نسبت به اطرافیان یا آینده
۲۵. ضعیف بودن مهارت‌های حل مساله و تصمیم گیری
۲۶. داشتن تفکر محسوس و ناتوان از در نظر گرفتن پیامدهای احتمالی
۲۷. پایین بودن سطح تحمل و تاب آوری
۲۸. بیکاری و ناتوانی در حفظ شغل
۲۹. غیبت های طولانی از کار
۳۰. ناسازگاری و عدم انطباق با شرایط جدید و یا سایر افراد
۳۱. داشتن حالات اضطرابی و افسردگی ماسکه
۳۲. استفاده از مکانیزم های دفاعی انکار، سرکوب و واکنش سازی
۳۳. نداشتن چشم انداز برای آینده فردی ، خانوادگی و شغلی
۳۴. داشتن آرزوهای دور از دسترس و یا ناممکن بنا به سابقه شخصی یا خانوادگی
۳۵. تمایل به کسب جایگاه یا پایگاه بالاتر در نزد دوستان

۳۶. احساس پوچی و بی هویتی

۳۷. سردرگریانی و ناتوانی در راهبری خود

۳۸. ضعیف بودن مهارت‌های خودگردانی و مدیریت خود

۳۹. داشتن سابقه فرار از خانه و یا غیبت از خانه

۴۰. فقدان روابط عاطفی پایدار

۴۱. معیوب بودن فرایند اجتماعی شدن

۴۲. نادیده گرفته شدن قوانین و مقررات یا داشتن نگرش منفی نسبت به قانون مداری یا

قانون گذاران

۴۳. داشتن تمایل به مطرح شدن و نداشتن ابزار صحیح برای این کار

۴۴. وجود باورهای نادرست نسبت به بی کفایتی قانون و قانون گذاران

۴۵. قبیح دانستن کمک خواهی از مراجع قانونی

وضعیت جغرافیایی محل سکونت و همسایگان

۱. نداشتن محل سکونت دایم

۲. اقامت در محیط های مهاجر نشین و یا حاشیه شهرها

۳. اقامت در محیط های جرم خیز

۴. زندگی در حالت گروهی و دستجمعی با همشهری ها

۵. حضور همسایگان بزهکار و تعامل با آنها

۶. بروز درگیری های مختلف در محله

۷. رایج بودن رفتارهای نامتعارف و یا تکانشی در محل

۸. ناامن بودن محل سکونت

۹. سکونت در محلات فقیرنشین

تجارب دوران تحصیل

۱. عدم تحصیل و بیسوادی

۲. عدم موفقیت تحصیلی و شکست مکرر در مدرسه

۳. غیبت ترک تحصیل

۴. داشتن سابقه دردساز بودن در مدرسه

۵. داشتن سابقه بی انضباطی و درگیری در مدرسه

۶. به القاب و اسامی نامناسبی نامیده شدن

۷. داشتن درگیری با معلمان

۸. نادیده گرفته شدن و مورد اهانت قرار گرفتن توسط معلمان یا همکلاسی ها

۹. ناتوانی در ادامه تحصیل به دلیل فقر اقتصادی یا ازدواج زودهنگام (زنان)

۱۰. وجود مشکلات خلقی و هیجانی در سازگاری با محیط آموزشی

عوامل اجتماعی

۱. تجربه فرایند اجتماعی شدن ناقص

۲. سوء گیری و جانبداری در عدم رعایت قوانین و مقررات بشکل فرهنگ عمومی

۳. عدم دریافت آموزش های مربوط به حقوق فردی و شهروندی و بی سوادی حقوقی

۴. عدم تقویت مهارت های زندگی در موقعیت های رسمی و غیررسمی در جامعه

۵. تعصب ورزی نسبت به باورهای نادرست خانوادگی ، عشیره ای یا قومی

۶. نبود احساس شرم اجتماعی در انجام امور بزهکارانه به ویژه در مناطق جرم خیز

۷. وجود نابرابری آموزشی در مناطق دور افتاده که زمینه تضعیف سطح توانمندی شناختی افراد

۸. فقدان برنامه های پیشگیری از جرم که به شکل ترمیمی نارسایی های نهاد خانواده را در

قانون پذیری برطرف سازد.

تفاوت یافته های بدست آمده با چارچوب مفهومی نظریه فارینگتون

- نظریه فارینگتون بیشتر یک نظریه روان شناختی تبیین کننده نحوه تکوین شخصیت ضد اجتماعی است و عوامل جامعه شناختی به شکل محدود آن در پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین مورد بحث قرار گرفته است و به عوامل سطح کلان نمی پردازد
- در اغلب مددجویان ایرانی عمده ترین عامل بزهکاری بیش از اینکه عوامل فردی نقش تعیین کننده ای داشته باشد ، پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین نقش بسزایی داشت.

- در زنان ازدواج زودهنگام در سنین ۸ تا ۹ سالگی مطرح بود.
- عوامل فرهنگی، قبیله ای و عشیره ای در بروز برخی جرائم نقش تعیین کننده داشت.
- نظریه فارینگتون عمدتاً بر روی افراد مذکر طبقه پایین اقتصادی متمرکز است.
- در این مطالعه ر روی زنان و هم مردان زندانی مورد مطالعه قرار گرفتند.
- نظریه فارینگتون حاصل مطالعه طولی است. مطالعه حاضر از نوع عرضی است
- اساس نظریه فارینگتون به خوبی به تبیین عوامل شکل دهنده شخصیت ضد اجتماعی می پردازد.
- در نظریه فارینگتون مبانی زیستی، فردی و خانوادگی و آموزشگاهی، همسایگان و اجتماع مطرح شده است. و به عوامل کلان سیاسی و اجتماعی اشاره ای نشده است.
- تجربه موسساتی شدن در ایران به نحوی است که سطح خودپنداره فرد و توانمندی روان شناختی را در افراد تضعیف می کند.
- در این مطالعه نهادهای مسئول و پاسخگو در قبال افراد در موقعیت های پرخطر یا در معرض خطر ملاحظه نشد.
- در این مطالعه، محرومیت و تبعیض های اجتماعی و فرهنگی یکی از عوامل تعیین کننده در بروز جرائم مختلف است.
- در این مطالعه بخش اعظم محکومان در زندان ها، از افراد حاشیه نشین و یا روستایی می باشند.
- نظریه فارینگتون عمدتاً بر پیشگیری رشد محور تأکید دارد.
- در ایران برنامه های پیشگیری از بروز جرم بزهکار محور یا بزه دیده محور نه در سطح کلان و نه در سطح خرد در جهت ارتقای توانمندی زندانیان و کاهش عود جرم بکار گرفته نشده است.
- به دلیل اینکه در ایران برنامه های پیشگیری وضعی و ترمیمی به شکل عمومی و یا اختصاصی مطرح نمی باشد، نقش آن ها نیز در تبیین علل و عوامل بزهکاری جایگاه روشنی پیدا نمی کند.
- در این مطالعه مشخص شد عدم به کارگیری جدی راهبردهای پیشگیری وضعی و

- پیشگیری اجتماعی، عامل بسیار مؤثری در عود جرم و افزایش تعداد مجرمان است.
- فقدان رویکرد رشد محور در برنامه‌های پیشگیری از جرم در ایران کاملاً محرز است.
- فقدان رویکرد مکان محور از جرم در زندان‌ها بخصوص قابل تأمل است.
- وجود فرصت‌های ارتکاب جرم در زندان‌ها، عامل پایدارکننده و بازگشت به جرم را در بین زندانیان مهیا می‌سازد.
- فقدان راهکارهای عدالت ترمیمی مبتنی بر شرم در زندان‌ها و مراکز تأدیبی
- فقدان تبلیغات بزه دیده محور و بزهکار محور در جامعه و در زندان‌ها

جمع بندی و نتیجه گیری

نظریه دیوید فارینگتون، رویکردی مبتنی بر طول زندگی است که در آن جریان رشد امری نامنظم و غیر قابل پیش‌بینی تلقی می‌شود. از این زاویه رشد انسان همانند گیاه نیست که روند مشخص و معینی داشته باشد. افراد در امتداد یک خط رشد می‌کنند خواه بهنجار یا نابهنجار تا زمانی که برخی رویدادها مسیر زندگی آن‌ها را تغییر دهد. به علت همین دگرگونی‌ها، فرایند رشد افراد به سهولت قابل پیش‌بینی نیست. نظریه فارینگتون درک بهتری از رفتار بزهکارانه را مطرح ساخت که در آن عوامل متنوعی قادر به تکوین و تقویت آن می‌باشند. از سوی دیگر این نظریه امکان اتخاذ رویکردهای پیشگیری کننده را بنا به متغیرهای تاثیرگذار بر رفتار بزهکارانه به‌خوبی مطرح ساخت.

یافته‌های تحقیق حاضر نیز حاکی از وجود عوامل تاثیرگذار چندگانه در بروز رفتارهای بزهکارانه در جمعیت مددجویان زن و مددجویان کانون اصلاح و تربیت استان‌های مورد مطالعه بود. یافته‌های این تحقیق می‌تواند در تعیین مسیرهای شناسایی عوامل خطر ساز و یا خنثی کننده روندهای رشدی بزهکاری در جمعیت ایرانی به کار گرفته شود و البته این امر مستلزم تحقیقات بیشتری در این حوزه است. در نمونه مورد مطالعه عوامل بوم شناختی و خانوادگی تاثیر بسزایی در بروز رفتارهای مجرمانه دارد و از این رو در تدوین برنامه‌های پیشگیری، برنامه‌های پیشگیری اجتماعی و مشارکت چند نهادی بیش از پیش می‌تواند مفید و عملی باشد.

منابع

- ابراهیمی قوام ، صغری و طباطبایی یزدی، مژگان(۱۳۹۳). بررسی طرح‌واره های ناسازگار اولیه بزهکاران دختر و پسر مرتکب جرائم خشن و غیر خشن در کانون اصلاح و تربیت. مجله ی پژوهش های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۳
- اسماعیلی، علیرضا(۱۳۸۹). علل جامعه‌شناختی بزهکاری نوجوانان در استان گلستان. مجله مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، پیش شماره- ۲ ، پاییز ۱۳۸۹ ، ص ۹
- افراسیابی، مهناز و اکبرزاده، نسرين (۱۳۸۶). بررسی و مقایسه شیوه‌های مقابله با استرس در نوجوانان عادی و بزهکار شهر تهران. فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، شماره ۹، بهار ۱۳۸۶ ص ۷
- افراسیابی، مهناز و اکبرزاده، نسرين (۱۳۸۶). بررسی و مقایسه شیوه‌های مقابله با استرس در نوجوانان عادی و بزهکار شهر تهران. مطالعات روان‌شناختی، بهار ۱۳۸۶، حوه ۳، شماره ۱ ص ۷- ۱۹
- انصاری نژاد، نصرالله(۱۳۹۱). تحلیل بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران. فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۴۵، تابستان ۱۳۹۱ ص ۴۲۳-۴۵۰

حبیب زاده ملکی، اصحاب و قاسمی، محمد (۱۳۸۸). رابطه بین استفاده از رسانه های صوتی تصویری و بزهکاری نوجوانان. فصلنامه پژوهش های ارتباطی، شماره ۵۸، تابستان ۱۳۸۸ ص ۹۵

حسینی، جعفر و شاهقلیان، مهناز (۱۳۹۳). ابرازگری هیجانی، کنترل هیجانی و دوسوگرایی در ابراز هیجان در دختران فراری و بهنجار. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۳ ص ۱۱۷-۱۳۴

حسینیان، سیمین؛ فرخجسته، وحیده سادات؛ عبدالمهی، راشن و نوری پورلباولی، رقیه (۱۳۹۴). رابطه رفتارهای پرخطر و هیجان خواهی با میزان گرایش به اعتیاد در زنان بزهکار. پژوهش های اطلاعاتی و جنایی، بهار ۱۳۹۴، دوره ۱۰، شماره ۱ ص ۹-۲۸

حمزه لو، محمد و مشهدی، علی (۱۳۸۹). مقایسه بازداري رفتاری در نوجوانان بزهکار با یا بدون سابقه سوء مصرف مواد و نوجوانان بزهکار. فصلنامه پژوهش در سلامت روان شناختی، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۵۵

خان محمدی اطاقسرا، ارسلان؛ همایونی، علیرضا و اسحاقی، سید مرتضی (۱۳۹۳). رابطه بین هوش هیجانی با سلامت روانی در نوجوانان بزهکار و عادی. جامعه شناسی مطالعات جوانان، بهار ۱۳۹۳، دوره ۴، شماره ۱۳، ص ۹-۲۲

خدابخشی کولایی، آناهیتا؛ علیزاده، فاطمه، منصور، لادن؛ تقی پور، ابراهیم و فلسفی نژاد، محمدرضا (۱۳۹۳). حمایت اجتماعی ادراک شده خانواده و دوستان و طرحواره های ناسازگار اولیه در نوجوانان دختر و پسر بزهکار و غیر بزهکار. فصلنامه سلامت اجتماعی، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۳ ص ۱۲۰-۱۲۹

ساکي، ماندانا و جاريانی، مژگان (۱۳۸۸). بررسی عوامل خانوادگی و شخصیتی مؤثر در بزهکاری در نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت شهر خرم آباد. فصلنامه یافته، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۸ ص ۱

سیف قره یناف، داوود، خالقی، ابوالمفتح و مهدی پور، محمد (۱۳۸۴). بررسی جرم شناسی تاثیر عوامل فردی و خانوادگی بر حجم و ساخت بزهکاری. فصلنامه

————— | آزمون نظریه بزهکاری فارینگتون و تلویحات اربردی آن بر روی زندانیان ایرانی | ۱۳۳ |

- پژوهش های اطلاعاتی و جنایی، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۸۴، ص ۹-۳۶
- شایگان، فریا و محمدی، صدیقه (۱۳۹۳). بررسی تاثیر عوامل اجتماعی در بزهکاری زنان. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۳، بهار ۱۳۹۳ ص ۱۶۳
- شریفی نیا، محمد حسین (۱۳۸۷). بررسی اثر بخشی درمان یکپارچه توحیدی در کاهش بزهکاری زندانیان. دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان شناسی، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۷ ص ۷
- شکرشکن، حسین؛ نیسی؛ عبدالکاسم و سپهوند، اسفندیار (۱۳۸۸). مقایسه هیجان خواهی، عزت نفس، جو عاطفی خانواده و وضعیت اجتماعی - اقتصادی در نوجوانان پسر بزهکار و عادی. دستاوردهای روان شناختی (علوم تربیتی و روان شناسی) بهار و تابستان ۱۳۸۸، دوره ۴، شماره ۱ ص ۱۰۷-۱۲۴
- شومیکر، دونالد جی (۱۳۸۹). نظریه های بزهکاری. . ترجمه، ابراهیمی قوام، صغری. چاپ اول. دانشگاه علوم انتظامی
- صادقی فسایی، سهیلا و میرحسینی، زهرا (۱۳۹۳). تحلیل جامعه شناختی روایت زنان از زندان، پس از آزادی. فصلنامه زن در توسعه و سیاست، (پژوهش زنان)، شماره ۴۶، پاییز ۱۳۹۳ ص ۳۴۵-۳۶۲
- عسگری، سعید؛ زکی یی، علی و علی خانی، مصطفی (۱۳۹۰). مداخله های پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (بررسی نقش خانواده). فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۰ ص ۹
- فرزانه، سیف الله؛ ملانی جلودار، شهرام و زمانی راد، اسماعیل (۱۳۹۳). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان ۱۲-۱۸ ساله به بزهکاری در کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان.
- محسنی تبریزی، علیرضا و کریمی، حمید (۱۳۸۶). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرائم خشونت آمیز جوانان ذکور ۱۸ تا ۲۵ ساله همدانی. فصلنامه پژوهش های مدیریت انتظامی، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶ ص ۲۴۸

محسنی تبریزی، علیرضا و نوروزی گودرزی، مهدی (۱۳۸۹). بررسی میزان دین‌داری در کاهش ارتکاب رفتار مجرمانه جوانان. مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، پیش شماره ۲ - پاییز ۱۳۸۹ ص ۱۶۹

مشکاتی، محمد رضا و مشکاتی، زهرا سادات (۱۳۸۱). سنجش تاثیر عوامل بیرونی و درونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان. نشریه جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۱، شماره ۲ معظمی، شهلا و نجیب اصفهانی، زینب (۱۳۹۱). تاثیر خشونت های خانوادگی بر بزهکاری کودکان و نوجوانان. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۱ ص ۵۹

مک گوایر، دیوید (۲۰۰۴). درک روانشناسی و جرم. ترجمه، ابراهیمی قوام، صغری. چاپ اول. دانشگاه علوم انتظامی

ولش، براندون سی و فارینگتون، دیوید پی (۲۰۱۲). دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد. ترجمه گروهی از پژوهشگران حقوق کیفری و جرم‌شناسی (۱۳۹۴). چاپ اول. نشر میزان

هاشمیان فر، سید علی و اکبرزاده، علیرضا (۱۳۹۳). بررسی و مقایسه مشارکت اجتماعی والدین نوجوانان بزهکار و نوجوانان عادی در امور مدرسه. جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، پاییز ۱۳۹۳، دوره ۵، شماره ۱۵ ص ۱۵۷-۱۸۰

Bernard, T. J. and Snipes, J. B. (1996) Theoretical integration in criminology. *Crime and Justice: A Review of Research*, 20, 301-48.

Buikhuisen, W., 1988, "Chronic Juvenile Delinquency: A Theory." Pp. 27-47 in Woutor Buikhuisen and Sarnoff Mednick (eds.), q.v.

Catalano, R. E and Hawkins, J. D. (1996) The social development model: a theory of antisocial behavior. In J. D. Hawkins (ed.) *Delinquency and Crime: Current Theories*. Cambridge: Cambridge University Press.

Elliott, D. S., Ageton, S. S. and Cantor, R. J. (1979) An integrated theoretical perspective on delinquent behavior. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 16, 3-27.

- Farrington, D. P. (2003) Key results from the first forty years of the Cambridge Study in Delinquent Development. In T. P. Thornberry and M. D. Krohn (eds.) *Taking Stock of Delinquency: An Overview of Findings from Contemporary Longitudinal Studies*. New York: Kluver Academic/Plenum Publishers.
- Farrington, D. P. and Murray, J. (2014, Eds.) *Labelling Theory: Empirical Tests (Advances in Criminological Theory, Vol. 18)*. New Brunswick, N.J.: Transaction.
- Hawkins, J. David and Denise M. Lishner, 1987, "Schooling and Delinquency." Pp. 179-221 in Elmer J. Johnson (ed.), *Handbook on Crime and Delinquency Prevention*. Westport, Conn.: Greenwood Press.
- Jamieson, J., McIvor, G. and Murray, C. (1999) *Understanding Offending Among Young People*. Edinburgh: The Stationery Office.
- Johnson, Richard E., 1979, *Juvenile Delinquency and Its Origins*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Laub, J. H. and Sampson, R. J. (1993) Turning points in the life course: why change matters to the study of crime. *Criminology*, 31, 301-25.
- LeBlanc, M. (1993) Prevention of adolescent delinquency: an integrative multi-layered control theory based perspective. In D. P. Farrington, R. J. Sampson and P. H. Wikström (eds.) *Integrating Individual and Ecological Aspects of Crime*. Stockholm: National Council for Crime Prevention.
- Martin, S. E., Annan, S. and Forst, B. (1993) The special deterrent effects of a jail sanction on first-time drunk drivers: a quasi-experimental study. *Accident Analysis and Prevention*, 25, 561-8.
- Matsueda, R. L. and Anderson, K. (1998) The dynamics of delinquent peers and delinquent behavior. *Criminology*, 36, 269-308.
- McGuire, J. (1997a) 'Irrational' shoplifting and models of addiction. In J. Hodge, M. McMurran and C. R. Hollin (eds.) *Addicted to Crime?*

Chichester: Wiley.

McGuire, J. (2000a) Explanations of criminal behavior. In J. McGuire, T. Mason and A. O’Kane (eds.) *Behavior, Crime and Legal Processes: A Guidebook for Practitioners*. Chichester: Wiley.

McGuire, J. (2000b) *Cognitive-Behavioural Approaches: An Introduction to Theory and Research*. London: Home Office

McGuire, J. (2001a) Property offences. In C. R. Hollin (ed.) *Handbook of Offender Assessment and Treatment*. Chichester: Wiley.

Peters, Ray DeV., Robert J. McMahon, and Vernon L. Quinsy (eds.), 1992, *Aggression and Violence Throughout the Life Span*. Newbury Park, Calif.: Sage.

Thornberry, T. P. and Krohn, M. D. (2003) The development of panel studies of delinquency. In T. P. Thornberry and M. D. Krohn (eds.) *Taking Stock of Delinquency: An Overview of Findings from Contemporary Longitudinal Studies*. New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers.

Thornberry, Terence P., 1987, “Toward an Interactional Theory of Delinquency. *Criminology* 25:863-891.

Thornton, D., Curran, L., Grayson, D. and Holloway, V. (1984) *Tougher Regimes in Detention Centres: Report of an Evaluation by the Young Offender Psychology Unit*. London: HMSO

Udry, J. Richard, 1988, “Biological Predispositions and Social Control in Adolescent Sexual Behavior.” *American Sociological Review* 53:709-722.